



The Concept and Legal Implications of Predatory Lending and Strategies to Combat It in Iranian and U.S. Law

ARTICLE INFO

DOI: 10.48311/clr.2026.101631.0

Article Type

Research Article

Authors:

Mohammad Hosein Vakili Moghadam
ORCID: <https://0000-0003-4105-3099>



Affiliation:

Assistant Professor in Private Law,
Faculty of Theology and Law, Hazrat-e-
Masoumeh University, Qom, Iran

Correspondence:

Email: m.vakili@hmu.ac.ir

Article History:

Received: 2024/12/14

Received in Revised form: 2025/10/19

Accepted: 2026/01/14

Abstract

Predatory lending refers to lending practices in which the lender, by exploiting the borrower's lack of knowledge, financial distress, or economic vulnerability, imposes unfair, inequitable, or deceptive terms upon the borrower. This phenomenon, which is most commonly observed in the realm of consumer and mortgage loans, gives rise to a range of legal and social consequences, including violations of the principle of contractual fairness, disruption of public economic order, and the imposition of severe financial burdens on borrowers.

Using a descriptive-analytical methodology, this article first elucidates the concept and defining characteristics of predatory lending, and then examines its legal implications within the legal frameworks of Iran and the United States of America. The aim of this study is to lay the groundwork for strengthening legal protection for financial consumers and promoting contractual justice in monetary transactions; objectives that can be achieved through the recognition of the doctrine of good faith in contracts as a binding legal obligation.

Keywords: Good Faith, Abuse of Rights, Malicious Loan, Unfair Terms, Predatory Lending





مفهوم و آثار حقوقی وام غارت‌گرانه و راهکارهای مقابله با آن در حقوق ایران و آمریکا

محمدحسین وکیلی مقدم*

استادیار گروه حقوق، دانشکده الهیات و حقوق، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۲۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۲۷

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۹/۲۴

چکیده

وام غارت‌گرانه به شیوه‌هایی از اعطای وام اطلاق می‌شود که در آن وام‌دهنده با سوءاستفاده از ناآگاهی، اضطراب یا ضعف اقتصادی وام‌گیرنده، شرایطی غیرمنصفانه، ناعادلانه یا فریب‌کارانه را به او تحمیل می‌کند. این پدیده که عمدتاً در حوزه وام‌های مصرفی و مسکن مشاهده می‌شود، آثار حقوقی و اجتماعی متعددی به دنبال دارد؛ از جمله نقض اصل انصاف قراردادی، اختلال در نظم عمومی اقتصادی و تحمیل زیان‌های سنگین به وام‌گیرندگان. در این مقاله با استفاده از شیوه تحلیل-توصیفی، ابتدا مفهوم و ویژگی‌های وام غارت‌گرانه تبیین و سپس آثار حقوقی آن در چهارچوب نظام‌های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا بررسی شده است. هدف این مقاله، فراهم‌سازی زمینه‌ای برای ارتقا حمایت حقوقی از مصرف‌کنندگان مالی و ارتقای عدالت قراردادی در معاملات پولی است. اهدافی که با رسمیت‌دادن به تئوری حسن‌نیت در قراردادها به مثابه الزامی قانونی، تحقق می‌یابد.

واژگان کلیدی: حسن‌نیت، سوءاستفاده از حق، وام با سوءنیت، شروط غیرمنصفانه، وام غارت‌گرانه

Email: m.vakili@hmu.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:



کپی‌رایت © ۲۰۲۶، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس (TMU Press). این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد منتشر شده و تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 قرار دارد. بر اساس این مجوز، شما می‌توانید این مطلب را در هر قالب و رسانه‌ای کپی، بازنشر و بازآفرینی کنید و یا آن را ویرایش و بازسازی نمایید، به شرط آنکه نام نویسنده را ذکر کرده و از آن برای مقاصد غیرتجاری استفاده کنید.



۱. مقدمه

چنان‌که از عنوان برمی‌آید، «وام غارت‌گرانه»^۱ قرضی استثماری و گران‌قیمت است که همراه با شروط غیرمنصفانه به نفع وام‌دهنده^۲، زیان‌های مالی هنگفت به وام‌گیرندگان^۳ تحمیل می‌نماید. در این وام^۴ با استفاده از سازوکارهای متقلبانه و همراه با سوءنیت، وام‌دهنده به هزینه وام‌گیرنده در بازه زمانی کوتاه به سودهای چشمگیر می‌رسد و آنچه از منظر ارزیابی حقوقی دارای اهمیت است، اینکه اعطای چنین وامی از ابتدا به این قصد شکل گرفته است؛ یعنی تنظیم مفاد عقد و درج شروط قراردادی در آن به‌گونه‌ای بوده که ناتوانی وام‌گیرنده در پرداخت و ایفای تعهدات مالی مرتبط با وام و در نتیجه تبعاتی مانند سلب مالکیت^۵ او و یا پرداخت خسارت مالی هنگفت قابل‌پیش‌بینی بوده است. بررسی ساختار حقوقی وام غارت‌گرانه افزون بر جلوگیری از بروز زمینه‌های بی‌عدالتی مالی دارای اهمیت فراوان است؛ از نظرگاه تحلیل حقوق قراردادهای، اگرچه چنین وامی می‌تواند مصداقی از قراردادهای مبتنی بر سوءاستفاده قلمداد شود، اما لزوم پای‌بندی به مفاد قرارداد و وفای به عهد به‌مثابه اصول بنیادین محقق‌کننده تحکیم عقود، اهمیت ارزیابی عناصر شکل‌گیری این وام را عیان می‌سازد تا حمایت از وام‌گیرندگان نیز ضابطه‌مند شود و به تزلزل در بنیان‌های قراردادی نینجامد. همچنین گسترش استفاده از چنین وام‌هایی با گردش مالی چشمگیر، آن‌ها را به مهم‌ترین مصداق عینی قراردادهای مبتنی بر سوءاستفاده و استثماری تبدیل کرده است. در نتیجه مطالعه تطبیقی موضع نظام‌های حقوقی درباره آن عیان‌کننده کارآمدی و عیار نظریات و مبانی مرتبط است و به خوبی معلوم می‌نماید رویکردهایی مانند لزوم حمایت از طرف ضعیف و یا تعدیل قراردادی

1. Predatory Lending

2. Lender

3. Borrowers

۴. اگرچه در ایران وام به قرضی اطلاق می‌شود که از بانک یا مؤسسه‌ای مالی اخذ می‌شود، اما از نظر حقوقی اصطلاح وام، دلالتی مطلق دارد و شامل تمام مصادیق قرض است. در این نوشتار نیز وام به معنای اخیر و به شکل مطلق و هم‌معنا با قرض استفاده می‌شود.

5. Foreclosure

چگونه در عمل خود را نشان می‌دهند و به تفاوت در تحلیل‌های حقوقی منجر می‌شوند. در نظام حقوقی ایران راهکارهای مقابله با چنین قراردادهایی فاقد موضع قانونی صریح و مشخص است و در بحث اعطای وام مبتنی بر سوابق فقهی تمام تمرکز بر جلوگیری از تحقق ربا و مقابله با آن بوده است؛ اما چنان‌که خواهد آمد زمینه‌های تحقق وام غارت‌گرانه به دریافت ربا محدود نیست. افزون بر این، تدبیر حقوقی صحیح در این عرصه می‌تواند زمینه‌ساز بهره‌مندی از مزایای تأمین مالی صحیح و جلوگیری از حبس سرمایه شود که خود از مؤلفه‌های مهم رونق تولید است. بروز بحران مالی ۲۰۰۸ در آمریکا و نقش بانک‌ها و مؤسسات مالی در تشدید آن به‌ویژه در عرصه مسکن، نظام حقوقی آمریکا را اصلی‌ترین بستر تحلیل چنین وام‌هایی کرده است؛ به‌نحوی که آنچه در سایر کشورها بازتاب یافته به اقتباس از حقوق آمریکا است. اهمیت بحث و آثار زیان‌بار مالی چنین وام‌هایی در حدی است که بسیاری از ایالات مبانی و نظریات کلی حقوق را در مواجهه مؤثر با آن کافی ندانسته و در سطح ایالتی اقدام به وضع قانون خاص کرده‌اند. بر این اساس، در این مقاله نظام حقوقی آمریکا در مقام مطالعه تطبیقی مورد توجه قرار گرفته است.

۲. مفهوم وام غارت‌گرانه و زمینه‌های شکل‌گیری آن

در وام غارت‌گرانه مبتنی بر ماهیتی تهاجمی و همراه با شروطی مانند سود، اجرت و کارمزد هنگفت از تاکتیک‌های فشار استفاده می‌شود تا از یک‌سو افراد به پذیرش آن ترغیب شوند و چنین القا شود که شرایط مندرج در وام چندان سهمگین و زیان‌بار نیست و از سوی دیگر، بعد از انعقاد قرارداد با روش‌هایی مانند تمدید و یا تأمین مالی مجدد وام^۶ بیشترین بهره‌کشی اقتصادی از وام‌گیرنده تحقق یابد (Mehkeri, 2014: 45). اگرچه در ارائه تعریفی جامع از چنین وام‌هایی اتفاق نظر وجود ندارد؛ اما می‌توان پذیرفت وصف مشترک آن‌ها سامان‌دهی مفاد قرارداد از سوی وام‌دهنده آمیخته با مجموعه‌ای از اقدامات مالی طاقت‌فرسا است که سود

6. Refinance.



سرشار دلالان و وام‌دهندگان را محقق می‌نماید و در نهایت، چرخه‌ای از شکست‌های مالی و نقض تعهدات پیاپی از سوی وام‌گیرنده را موجب می‌شود که در کوتاه‌مدت پایانی برای آن متصور نیست (Ament, 2009: 372). در نتیجه، پذیرش این وام نه تنها به بهبود وضع مالی متقاضی وام همراه با هزینه‌های متعارف منجر نمی‌شود، بلکه موقعیت او را در وضعیتی بسیار زیان‌بارتر از قبل قرار می‌دهد. بر این اساس، تعاریفی مانند آنچه در گزارش مشترک برخی نهادهای فدرال آمریکا ذکر شده و به موجب آن اقدامات متقلبانه مانند کلاهبرداری و یا سازوکارهای فروش تهاجمی، عناصر سازنده چنین وام‌هایی قلمداد شده است که منجر به سوءاستفاده از وام‌گیرنده و یا آسیب‌پذیرتر کردن او در برابر سوءاستفاده می‌شود^۷، تنها بخشی از مصادیق چنین وامی را مورد توجه قرار می‌دهد؛ زیرا نباید پنداشت وام غارت‌گرانه مستلزم به کارگیری رفتارهای مجرمانه است. همچنان که حکم به بی‌اعتباری وضعی آن ضرورتاً منوط به تخصیص عنوان مجرمانه برای آن نیست (Foodman, 2019: 260).

وام غارت‌گرانه وامی است با شرایط تعیینی از سوی وام‌دهنده که از ابتدا به قصد قراردادن وام‌گیرنده در موقعیتی شکل می‌گیرد که از بازپرداخت ناتوان شود. موقعیت مالی متقاضی این وام به نحوی است که به احتمال فراوان از ایفای تعهدات قراردادی بازمی‌ماند و وام‌دهنده با تخمین و اطلاع از چنین نتیجه‌ای، ساختار قراردادی را به گونه‌ای سامان‌دهی می‌نماید که وام‌گیرنده متعاقب عدم تسویه، به چرخه بی‌پایان تبعات و زیان‌های مالی دچار شود که توسط وام‌دهنده پیش‌بینی شده است (Goldstein & Brinegar, 2010: 176)؛ گویی وام‌دهنده نیز امیدی به اجرای مفاد قرارداد نداشته و با سوءاستفاده از نیاز متقاضی، دامی گسترده است تا با تحقق نتیجه محتوم، یعنی عدم بازپرداخت اقساط، به منفعت مالی سرشار دست یابد. بنابراین، وام غارت‌گرانه بر پایه سوءنیت شکل می‌گیرد و شالوده آن شروطی آمیخته با فرصت‌طلبی متقلبانه وام‌دهنده است که بیش از تمرکز بر فرض تسویه، آثار و عواقب عدم اجرای قرارداد را مورد توجه قرارداده است که به موجب آن، تبعاتی سهمگین و به دور از

7. U.S. Department of Housing and Urban Development and the U.S. Department of the Treasury, 2000, Hud-Treasury Task Force On Predatory Lending, Curbing Predatory Home Mortgage Lending, Available At: <https://archives.hud.gov/reports/treasrpt.pdf>, 11/7/2024.

عدالت قراردادی بر او تحمیل می‌شود.

مطالعات نشان می‌دهد تحولات مبتنی بر افزایش شکاف مالی بین قشرهای مختلف، زمینه - ساز گسترش چنین وام‌هایی در سده‌های اخیر بوده است. تا پیش از این، بازار معاملات اعتباری، خالی از پیچیدگی و نفع‌طلبی به معنای امروزی بود. متقاضیان به شکل معمول با مراجعه به بانک‌ها و یا مؤسسات مالی بر مبنای ضوابط مشخص و با در نظر گرفتن مؤلفه‌هایی مانند سطح درآمد و میزان دارایی، نسبت به دریافت وام اقدام می‌کردند. این فرآیند دارای مرکزیت بود و تا پایان دوره بازپرداخت و تسویه، لایه‌هایی جدید بر رابطه بین طرفین وام افزوده نمی‌شد؛ اما به تدریج با دگرگونی ساختار، فعالان ارائه‌دهنده وام متنوع شده و هدف - گذاری گروه فعالان جدید، ارائه خدمات به متقاضیان ناتوان از دریافت وام در بازار اصلی گردید. در نتیجه نوعی بازار فرعی^۸ شکل گرفت که در ابتدا ارائه خدمات در آن مصداق دموکراتیک شدن عرضه خدمات مالی اعتباری^۹ به اشخاص کم‌توان تر قلمداد می‌شد که در بازار فرعی فرصت بهره‌مندی از اعتبار را به دست می‌آوردند. بر همین اساس، در برخی از منابع از این وام‌ها با عنوان وام‌های غیررسمی^{۱۰} یاد می‌شود (Austin, 2004: 1242). گذشت زمان چالش‌های حقوقی این وام‌ها را عیان نمود؛ بالا رفتن حجم نکل در پرداخت و تشدید تضمین - های قراردادی موجب به کار بردن سازوکارهایی مبتنی بر استبداد اقتصادی گردید که به زیان خالص نامتعارف^{۱۱} وام‌گیرندگان انجامید. در عین حال، چنین وام‌هایی به بازارهای فرعی و تکمیلی محدود نماند و الگوهای آن از سوی فعالین و مؤسسات مالی جریان اصلی نیز مورد استفاده قرار گرفت (Mullen, 2014: 85; Foodman, 2019: 257).

بنابراین وام غارت‌گرانه در نهایت، کاهش‌دهنده رفاه است و کسب سود در آن از طریق ایجاد تله بدهی^{۱۲} برای وام‌گیرنده به معنای استفاده از سازوکارهایی است که وام را از میزان

8. Subprime Market

9. Democratization of Credit

10. Informal Credits

11. Disproportionate Net Harm

12. Debt Trap



بهینه^{۱۲} خارج کرده و ریسک نکول را به شدت افزایش می‌دهد (Donald, 2007: 4; Stojkovic, 2017: 119). گفتنی است هر وام گران قیمت مادام که شرایط آن متناسب با وضعیت و میزان ریسک وام گیرنده باشد، مصداق وام غارت‌گرانه نیست؛ زیرا در این وام بازاریابی به صورت هدفمند و در راستای شناسایی افراد آسیب پذیرتر و اقلیت‌های اجتماعی و یا مالی صورت می‌گیرد که در بسیاری از موارد از تبعات پذیرش مفاد قرارداد آگاهی ندارند (Goldstein & Brinegar, 2010: 173; Sounders, 2018: 121).

۳. الگوهای تحقق وام غارت‌گرانه

در رایج‌ترین فرض، از بستر معاملات رهنی برای تحقق وام غارت‌گرانه استفاده می‌شود که بر اساس آن بدون توجه به توان بازپرداخت وام گیرنده و صرفاً با اتکا به اموال او با تحقق رهن به مثابه پشتوانه تضمین قرارداد، اعطای وام صورت می‌گیرد. در این الگو که وام دارایی-محور^{۱۴} نام دارد، وام دهنده با بهره‌مندی از عدم تقارن اطلاعاتی^{۱۵} تصویری خلاف واقع از شرایط بازپرداخت و حتی میزان درآمد واقعی^{۱۶} و ارزشمندی دارایی به وام گیرنده القا می‌نماید، به نحوی که در نهایت او چنین وامی را همراه با ترهین می‌پذیرد و از این طریق پریسک‌ترین تصمیم خود را اتخاذ می‌نماید (Entin & Yazback, 2007: 759). استفاده از قالب معاملات رهنی یکی از مصادیق چنین وام‌هایی است؛ زیرا بدون توافق در شکل‌گیری رهن و نظر به اینکه اموال شخص وثیقه عام دیون او است، با نکول مدیون، امکان توقیف اموال او و اقدام برای مطالبه دین وجود دارد. با این حال، استفاده از رهن در کنار سایر مؤلفه‌های استثمار می‌تواند اماره‌ای در شناسایی تحقق وام غارت‌گرانه قلمداد شود (Drury, 2009: 7; Bond, 2008: 139).

۱۲. میزان وام بهینه (Optimal Loan Amount) مقدار وامی است که شخص توان پرداخت آن را دارد و متناسب با توان مالی شخص است (Kharas & Hisanobu, 1985: 9).

14. Asset-Based Lending

15. Asymmetry of Information

16. Predation by Income Deception

افزون بر این، ممکن است این الگو از وام‌های غارت‌گرانه از طریق دیگر نیز به استثمار مالی بینجامد؛ بر مبنای تحلیل اقتصاد رفتاری^{۱۷}، وام‌گیرنده بعد از ناتوانی از بازپرداخت دین، برای جلوگیری از سلب مالکیت خود نسبت به وثایق، به شکل مکرر تعهدات جدید و با تبعات مالی شدیدتر را می‌پذیرد. اگرچه پذیرش چنین تعهداتی نیز به زیان مالی منجر خواهد شد، اما تعین و سهمگین‌تر بودن از دست رفتن مالکیت اموال مرهونه که نوعاً مهم‌ترین مصادیق دارایی شخص را تشکیل می‌دهند، با مانع ذهنی بیشتری برای وام‌گیرنده همراه است. در این فرض نیز آنچه رخ می‌دهد طراحی وام به‌گونه‌ای است که روند طبیعی امور به نکول و تحقق خسارات مالی متعدد وام‌گیرنده منجر می‌شود. بر همین اساس این شیوه، «بازاریابی سردرگمی»^{۱۸} نامیده شده است؛ زیرا ابزارهایی به کار می‌رود که به موجب آن در میان انتخاب موقعیتی با زیان کمتر سرگردان شود و در نهایت نه در مقام کسب سود و منفعت، بلکه به پذیرش موقعیتی تن می‌دهد که در نظر او زیان‌بارترین وضعیت نیست (McCoy, 2005: 725).

در الگوی دوم بعد از تحقق وام، وام‌دهنده آن را به مثابه یک طلب به یک ابزار ویژه مالی^{۱۹} منتقل می‌نماید، که از نظر ساختار حقوقی مستقل است. سپس با انتقال بعدی وام، یک بانک سرمایه‌گذاری با کمک آژانس‌های رتبه‌بندی^{۲۰} و متناسب با میزان اصل وام و سود آن اقدام به انتشار اوراق قرضه می‌نماید و از طریق عرضه عمومی اقدام به فروش آن‌ها به سرمایه‌گذاران می‌کند. وام‌دهندگان اصلی افزون بر درآمد حاصل از فروش اوراق بهادار، از مابه‌التفاوت بهره فروش آن‌ها بعد از کسر هزینه‌های اجرایی نیز برخوردار می‌شوند. در نتیجه با انتشار اوراق بهادار، از سرمایه افزایش‌یافته در بازار نیز بهره‌مند می‌شوند. این ساختار، ریسک سرمایه‌گذار را کاهش می‌دهد و از دسترسی طلبکاران در فرض ورشکستگی او جلوگیری می‌نماید. در واقع در این شیوه استفاده از بازار ثانویه، سطح جدیدی از روابط حقوقی ایجاد می‌نماید که در کنار تحقق مزیت مالی برای وام‌دهنده، زمینه تحقق وام غارت‌گرانه را نیز افزایش می‌دهد؛ زیرا

17. Behavioral Economics

18. Distraction Marketing

19. Special Purpose Vehicle (SPV)

20. Rating Agency



استفاده دلال‌ها و یا انتقال وام به واسطه‌های بعدی، بهانه‌ای برای افزایش کارمزد و گران‌تر کردن وام است (Saunders, 2018: 113)، و از سوی دیگر با اجرای تئوری «دارنده قانونی»^{۲۱} امکان طرح دعوا و ایرادات علیه خریدارهای بعدی در بازار ثانویه وجود ندارد، مگر اینکه میان وام‌دهنده اصلی و نفرات بعد تبانی و یا ارتباط نزدیک^{۲۲} وجود داشته باشد که در این صورت با احراز سوءنیت، ایرادات حقوقی قابل طرح است (Goldstein & Brinegar, 2010: 172)؛^{۲۳} بنابراین، در این الگو اگرچه منافع مالی در حقیقت به وام‌دهنده اصلی می‌رسد، اما سازوکار استفاده‌شده به گونه‌ای است که در ظاهر میان او و نفرات بعدی ارتباطی وجود ندارد و امکان طرح ایرادات در مقابل آن‌ها نیز به سادگی امکان‌پذیر نیست.

ملاحظه می‌شود که در هر دو الگو، بازاریابی هدفمند متقلبانه (تلاش برای شناسایی اشخاص با درآمد کم و دارایی قابل توجه مانند سالمندان و یا اشخاص کم‌اطلاع از شرایط بازار و آسیب‌پذیر در برابر رفتارهای تهاجمی)، شروط قراردادی مبتنی بر سوءاستفاده (در راستای تحمیل شرایط ناعادلانه و تحمیل بالاترین میزان سود مالی ممکن برای وام‌دهنده) و رفتارهای متقلبانه (مبتنی بر مدیریت قرارداد در راستای استثمار مالی وام‌گیرنده مانند ارائه اطلاعات نادرست، عدم شفافیت و اقداماتی مانند ارائه نرخ سود و شرایط قراردادی به ظاهر منطقی و تبدیل آن‌ها به مبالغ هنگفت در مقیاس زمان)، از موجبات شکل‌گیری وام غارت‌گرانه است (Agarwal, 2013: 10; Carr & Kolluri, 2010: 4).

21. Holder in due course

22. Close Connectedness

23. "(a) Subject to subsection (c) and Section 3-106(d), "holder in due course" means the holder of an instrument if: (1) the instrument when issued or negotiated to the holder does not bear such apparent evidence of forgery or alteration or is not otherwise so irregular or incomplete as to call into question its authenticity; and

(2) the holder took the instrument (i) for value, (ii) in good faith, (iii) without notice that the instrument is overdue or has been dishonored or that there is an uncured default with respect to payment of another instrument issued as part of the same series, (iv) without notice that the instrument contains an unauthorized signature or has been altered, (v) without notice of any claim to the instrument described in Section 3-306, and (vi) without notice that any party has a defense or claim in recoupment described in Section 3-305(a)..." Uniform commercial Code (UCC), S. 3.302.



۴. مصادیق و مؤلفه‌های شکل‌گیری وام غارت‌گرانه

چنان‌که آمد، وام غارت‌گرانه مبتنی بر یک ساختار تهاجمی و سوءاستفاده نظام‌مند است. اگرچه ارائه یک فهرست جامع از مؤلفه‌های انحصاری چنین ساختاری ممکن نیست، اما بررسی نمونه‌های موجود در پرونده‌های مطرح‌شده نشان از تکرار برخی مصادیق خاص دارد. بر این اساس، می‌توان گفت مهم‌ترین مؤلفه‌های شکل‌گیری این وام به شرح زیر است:

۱- **نرخ سود هنگفت:** در نظام حقوقی اسلام اخذ هر میزان سود از وام‌گیرنده و مبتنی بر توافق قبلی مصادق ربا و حرام است (ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی - تعزیرات)؛ اما در برخی نظام‌های حقوقی حد مجاز دریافت سود تعیین شده است و ربا^{۲۴} به معنای دریافت سود بیش از میزان مقرر قانونی است که از آن با عنوان بهره غیرقانونی و نامشروع^{۲۵} یاد می‌شود^{۲۶} (Garner, 2011: 1685). در چنین نظام‌هایی تعیین سود هنگفت^{۲۷} می‌تواند اماره‌ای بر غارت‌گرانه بودن وام باشد؛ زیرا در ساده‌ترین شکل، دریافت سود کلان ابزار استثمار مالی در قراردادهای وام قلمداد می‌شود (Entin & Yazback, 2007: 760).

۲- **کارمزد گزاف:** اجرایی کردن وام، به‌ویژه از سوی مؤسسات مالی و بانک‌ها مستلزم انجام اقداماتی هزینه‌بر است که در قالب تصدی‌گری نمایان می‌شود. دریافت اجرت و یا کارمزد در ازای این اقدامات مرسوم و مجاز است؛ اما نادیده گرفتن میزان متعارف و متناسب و تبدیل آن به ابزاری جهت کسب درآمد بی‌مبنا و توجیه‌ناپذیر، می‌تواند از مصادیق اقدامات تهاجمی در اعطای وام قلمداد شود (Bond, 2008: 20).

۳- **بیمه الزامی وام:** از روش‌های رایج افزایش هزینه‌های وام استفاده از بیمه اعتبار^{۲۸} است که به موجب آن در صورت فوت و یا حجر وام‌گیرنده، بیمه‌گر متعهد به بازپرداخت مابقی وام

24. Usury

25. Illegal/Unlawful Interest

۲۶. درحالی‌که در آمریکا تا قرن شانزدهم هر میزان سود ربا قلمداد می‌شد، امروزه در ایالات مختلف میزان ۶ تا ۲۰ درصد، میزان سود مجاز تعیین شده است.

27. Excessive Interest Rate

28. Credit Insurance



است. استفاده از این سازوکار و درج شرایط زیان‌بار مالی به بهانه به‌کاربردن آن می‌تواند از مصادیق تحقق سوءاستفاده در قرارداد اعطای وام قلمداد شود، به‌ویژه در مواردی که پذیرش آن الزامی است و بدون آن وام پرداخت نمی‌شود (Goldstein & Brinegar, 2010: 174).

۴- **استقراض بدون توجه به توان بازپرداخت:** تحلیل فروض متعدد وام‌های غارت‌گرانه نشان می‌دهد مؤلفه مشترک در آن‌ها اعطای وام برپایه دارایی فرد است. بر این اساس، اعطای وام به اشخاصی که به وضوح از سطح درآمد کافی برای پرداخت اقساط برخوردار نیستند، صرفاً با اتکا دارایی آن‌ها به‌مثابه وثیقه عام، معنایی جز زمینه‌سازی برای سلب مالکیت آن‌ها نسبت به اموال نخواهد داشت. در چنین وام‌هایی ناتوانی شخص از ایفای تعهدات مالی از پیش معلوم است و وام‌دهنده نیز با اطلاع از این واقعیت در راستای دستیابی به اموال او، اقدام به اعطای وام می‌نماید.

۵- **تداوم وام:** در این روش^{۲۹} هدف‌گذاری وام‌دهنده، کسب سود از معوقات وام است. بر این اساس، سازوکاری استفاده می‌شود که شخص از پرداخت ناتوان شود، سپس به تأمین مالی مجدد که در واقع دریافت مجدد وام با شرایطی جدید است ترغیب شود و یا عملاً چاره‌ای غیر از آن نداشته باشد. در این شیوه فواصل زمانی مشخص برای بازپرداخت تعیین می‌شود و در صورت هر نوع تأخیر، مبلغی به‌عنوان جریمه به مبلغ اصلی دین اضافه می‌شود. در نتیجه، در عمل وام‌گیرنده راهی برای خلاصی خود نمی‌بیند و برای حفظ اموال و جلوگیری از سلب مالکیت خود، پیشنهاد تأمین مالی مجدد را می‌پذیرد که معمولاً تسهیلاتی با بازپرداخت ماهیانه کمتر و بهره بالاتر است (Engel & McCoy, 2002: 1263).

۶- **تعهدات اضافی:** در این مصداق^{۳۰} وام‌دهنده وام اصلی را منوط به پذیرش تعهداتی اضافی از سوی وام‌گیرنده می‌نماید که از نظر موضوع بی‌ارتباط است و درعین‌حال، بر میزان

29. Loan Flipping

30. Packing



تعهدات مالی شخص می‌افزاید، بی‌آنکه وام‌گیرنده توان پرداخت متناسب آن را داشته باشد.^{۳۱} این شیوه نیز ابزاری در راستای تحمیل شرایط نامطلوب مالی به وام‌گیرنده است که در نهایت زمینه‌ساز نکول او خواهد شد (Ament, 2009: 378).

۷- پرداخت بالن: این شیوه^{۳۲} به معنای پرداخت بخش چشم‌گیری از وام در پایان دوره و پس از پرداخت‌های دوره‌ای کمتر است. استفاده از این شیوه موجب می‌شود از مبلغ بازپرداخت دوره‌ای کاسته شود؛ اما در عمل سازوکار بازپرداخت به‌گونه‌ای طراحی می‌شود که بخش قابل‌توجهی از اصل وام به شکل یکجا در پایان دوره پرداخت شود. در نتیجه وام‌گیرنده در طول مدتی نه‌چندان کوتاه تنها بهره و یا کسری از کل تعهدات مالی خود را ایفا کرده و در پایان دوره ملزم به پرداخت بخش عمده وام است که در فرض نقض تعهدات دوره‌ای، بر میزان آن نیز افزوده خواهد شد. با یادآوری شیوه‌های بازاریابی هدفمند، بی‌تردید چنین ساختاری به احتمال فراوان به ناتوانی وام‌گیرنده و سوق‌دادن او به تأمین مالی مجدد منجر خواهد شد (Combs, 2006: 620). بر همین اساس، در برخی مقررات تلاش شده است با تعیین الزاماتی در این زمینه مانند نوع وام، سقف و شرایط پرداخت، اجرای آن‌ها ضابطه‌مند شود.^{۳۳}

۳۱. در نمونه‌ای مشابه، بند ۵ ماده ۴۴ قانون اجرای اصل چهارم قانون اساسی، یکی از رفتارهای ممنوع و ضدرقابت تجاری را «موکول کردن انعقاد قرارداد به قبول تعهدات تکمیلی توسط طرف‌های دیگر که بنا به عرف تجاری با موضوع قرارداد ارتباطی ندارد»، می‌داند.

32. Balloon Payments

33. "Except as provided in subsection 2, if any scheduled payment of a consumer credit transaction is more than twice as large as the average of earlier scheduled payments, the consumer has the right to refinance the amount of that payment at the time it is due without penalty, as provided in section 537.2504. The terms of the refinancing shall be no less favorable to the consumer than the terms of the original transaction.

2. This section does not apply to any of the following:

a. A consumer lease. b. A transaction pursuant to open-end credit. c. A transaction to the extent that the payment schedule is adjusted to the seasonal or irregular income or scheduled payments of obligations of the consumer. d. A transaction of a class defined by rule of the administrator as not requiring for the protection of the consumer a right to refinance as provided in this section. e. A consumer loan in which the amount financed exceeds five thousand dollars and is secured by an interest in land. f. A consumer rental purchase agreement. g. A consumer loan secured by a certificate of title in a motor vehicle." (Iowa Consumer Credit Code, S. 537.3308 Balloon payments).



۸- جریمه پرداخت پیش از موعد: بخش مهمی از درآمد وام‌دهندگان بر مبنای سود وام‌ها است که به شکل معمول بر اساس زمان بازپرداخت وام تعیین می‌شود. پرداخت اقساط و تسویه آن پیش از موعد مقرر، وام‌دهنده را از چنین سودی محروم می‌نماید؛ بنابراین ممکن است چنین مقرر شود که وام‌گیرنده تنها در صورتی می‌تواند پیش از موعد اقدام به تسویه کامل و یا پرداخت بخش عمده بدهی خود به صورت یکجا نماید که مبلغی به مثابه جریمه^{۳۴} پرداخت نماید. در واقع این روش، غرامتی برای از دست رفتن سود^{۳۵} وام‌دهنده است، درحالی‌که برخلاف ضوابط کلی وام‌گیرنده مرتکب پیمان‌شکنی و یا تقصیر نشده است. مرسوم‌ترین شیوه تعیین میزان این جریمه، تمام یا درصدی از مقدار وام باقی‌مانده و یا محاسبه بر مبنای سود ماهیانه است (Hull, 2009: 300; Fisher, 2008: 590). اگرچه به کار بردن این شیوه می‌تواند عاملی در کاهش میزان سود باشد، اما در نهایت وام‌گیرنده را از بازپرداخت زود هنگام منصرف می‌نماید و در کنار سایر ابزارهای افزایش میزان تعهدات مالی او، زمینه‌ساز سوءاستفاده وام‌دهنده را فراهم می‌نماید. به همین علت در قوانین متعدد ایالتی در آمریکا، محدودیت‌های مختلفی پیرامون چنین غرامتی تعیین شده است^{۳۶} و «دفتر حمایت مالی از مصرف‌کننده»^{۳۷} در آمریکا نیز با امکان ثبت شکایات برخط، رسیدگی به دادخواهی در این موضوع را برعهده دارد.^{۳۸} همچنین در سطح فدرال نیز چنین شرطی می‌تواند نقض تعهد به حسن‌نیت و رفتار متعارف و معقول وام‌دهنده مندرج در مواد ۱۴۱۱ و ۱۴۱۲ قانون «داد-فرانک»^{۳۹} و الزامات مندرج در قانون «حقیقت در وام‌دادن»^{۴۰} مبنی بر لزوم ارائه اطلاعات حقیقی

34. Prepayment Penalty

35. Compensation for Lost Interest

۳۶. ایالت‌های آلاباما، آلاسکا و ایلینویز در وام‌های با سود بیش از ۸ درصد، در ایالت‌های آیووا، نیوجرسی، نیومکزیکو و کارولینای شمالی و جنوبی در وام‌هایی با سود کمتر از صد هزار دلار و در تگزاس و ورمونت بدون محدودیت چنین جریمه‌ای بی اعتبار است. برای دیدن فهرست جامع قوانین و مقررات مرتبط ایالات مختلف در این زمینه بنگرید به:

<https://www.cga.ct.gov/PS96/rpt/olr/htm/96-R-1211.htm>, 11/13/2024.

37. Consumer Financial Protection Bureau

38. <https://www.consumerfinance.gov/complaint/>

39. Dodd-Frank Wall Street Reform and Consumer Protection Act (Dodd-Frank Act)

40. Truth in Lending

و تبعات واقعی شروط قراردادی از سوی وام‌دهنده قلمداد شود (Drury, 2009: 139).

۹- استفاده از تکنیک‌های فروش تهاجمی: به‌طور کلی، «تکنیک‌های فروش تهاجمی»^{۴۱} دربرگیرنده مجموعه اقدامات و استراتژی‌هایی است که در راستای تسریع معامله، مبتنی بر ترجیح منافع کوتاه‌مدت و بدون توجه به نیاز مشتری انجام می‌شود. این سازوکار بر اساس به‌کارگیری تکنیک‌های فشار بالا^{۴۲} (به معنی تحت فشار قرارداد مشتری برای ایجاد حس فوریت و ضرورت معامله و القای اهمیت تصمیم فوری به علت افزایش شدید قیمت‌ها در آینده و کمبود محصول و خدمات و... از طریق پیگیری‌های مکرر)، اطلاعات گمراه‌کننده یا اغراق‌آمیز^{۴۳} (شامل اغراق در منافع و مزایای انعقاد قرارداد و یا بیان برخی ویژگی‌های منفی و نه تمام آن‌ها همراه با تبلیغات گسترده)، ابهام و عدم شفافیت (مانند عدم بیان جزئیات مربوط به هزینه‌ها و یا کم-اهمیت جلوه‌دادن تعهدات و تبعات مالی قرارداد) و دستکاری‌ها^{۴۴} (در راستای دستکاری و ایجاد تغییر در احساسات مشتریان جهت ایجاد حس همدلی و ترغیب آن‌ها در انعقاد قرارداد مانند تبلیغات درباره اختصاص بخشی از درآمدها و سود حاصل از قرارداد به خیریه)، از مهم‌ترین مصادیق تکنیک‌های فروش تهاجمی قلمداد می‌شوند که با عنوان «بازاریابی تهاجمی»^{۴۵} تنها به بیع اختصاص ندارند و در تمام قراردادهای قابلیت تحقق خواهند داشت (Haytko et al., 2017: 187). مجموع این اقدامات بر پایه «تکنیک جلب و تغییر»^{۴۶} در بازار-یابی است که به‌موجب آن در ابتدا پیشنهادی جذاب به مشتری ارائه می‌شود؛ اما با درج شروط و قیود متعدد و پنهان از نظر، سازوکاری استفاده می‌شود که در نهایت مشتریان زیان ببینند. یعنی برخلاف مواجهه ابتدایی و بعد از جذب مشتری، تغییر رویکرد رخ می‌دهد و حتی ممکن است محصولات و خدمات با قیمتی افزون از میزان متعارف معامله شود (Ament, 2009: 378). اگرچه چنین اقداماتی در بلندمدت می‌تواند به نارضایتی مشتریان منجر شود، اما

41. Aggressive Sales Tactics

42. High-Pressure Techniques

43. Misleading Information or Exaggeration

44. Manipulations

45. Aggressive Marketing

46. Bait and Switch Tactic



چگونگی حمایت از آن‌ها در چنین معاملاتی و تدبیر حقوقی متناسب چالش‌برانگیز است. بازاریابی تهاجمی و اقدامات مبتنی بر آن الزاماً غیرقانونی قلمداد نمی‌شوند، مگر اینکه طبق ضوابط حمایت از مصرف‌کننده مصداق تقلب یا فریب محسوب شوند. بر این اساس، مستند به بخش ۵ از «قانون کمیسیون تجارت فدرال»^{۴۷} در آمریکا، تکنیک‌های تهاجمی گمراه‌کننده به‌ویژه در فرض تحت فشار قرارداد مشتری مبتنی بر اطلاعات غلط، مصداق اقدامات ناعادلانه و گمراه‌کننده خلاف قانون است. همچنین بر اساس «قانون حمایت از مصرف‌کننده تلفنی»^{۴۸}، عدم توجه به درخواست عدم پیگیری مشتری در بازاریابی و تماس‌های مکرر، خلاف قانون قلمداد شده است. به موجب ماده ۱۶۶۷ «قانون لیزینگ مصرف‌کننده»^{۴۹}، هر نوع عدم افشا و پنهان‌کاری مبتنی بر عدم شفافیت به زیان مصرف‌کننده، خلاف قانون است. در مواد ۱۶۳۱ تا ۱۶۴۶ «قانون حقیقت در وام دادن» نیز رویکردی مشابه اتخاذ شده است. گفتنی است به علت اهمیت بانکداری در اعطای وام بخش عمده‌ای از ضوابط مزبور در راستای تحدید فعالیت بانک‌ها است، اما از نظر حقوقی به آن محدود نیست و هر نوع اعطای وام را دربرمی‌گیرد (Ahmed, 2020: 15).

۱۰- الزام وام‌گیرنده به اسقاط حق طرح دعوا: از دیگر روش‌های رایج در تحقق وام غارت‌گرانه، ملزم‌نمودن وام‌گیرنده به اسقاط حق پیگیری قضایی اختلافات احتمالی است. با این روش، او می‌پذیرد در موضوعاتی که رفتاری خلاف قانون رخ داده است نیز امکان طرح دعوا و مطالبه خسارات را نخواهد داشت. حتی در برخی موارد مفاد این شرط مراجعه به وکیل و مشاور حقوقی و داور را نیز شامل می‌شود (Drury, 2009: 140). اگرچه الزام به پذیرش چنین شرطی می‌تواند مصداق سوءاستفاده و بی‌اعتبار قلمداد شود، اما در بسیاری از موارد اشخاص با گمان به صحت آن، به‌ویژه در صورت ابهام و عدم صراحت موضع قانونی، در عمل به آن پای‌بند می‌مانند و با وجود آن، پیگیری قضایی موضوع حداقل با تأخیر مواجه

47. Federal Trade Commission Act, <https://www.govinfo.gov/content/pkg/COMPS-388/pdf/COMPS-388.pdf>, 11/14/2024

48. Telephone Consumer Protection Act, <https://www.fcc.gov/sites/default/files/tcpa-rules.pdf>, 11/14/2024

49. Consumer Leasing Act, <https://B2n.ir/x40992>, 11/14/2024

خواهد شد (Stojkovic, 2016: 41).

می‌توان بر مصادیق و نمونه‌ها افزود؛ اما ارزیابی موارد مذکور نشان می‌دهد زیربنای شکل‌گیری وام غارت‌گرانه استفاده از استراتژی‌های بازاریابی، انعقاد و مدیریت قرارداد بر پایه نفع‌طلبی غیرمتعارف وام‌دهنده است. در این ساختار آنچه رخ می‌دهد شامل مواجهه تبعیض-آمیز با اقلیت^{۵۰} و تحمیل شرایط غیرمنصفانه و زمینه‌ساز تحقق سود و فایده‌ای بی‌مبنا برای وام‌دهنده^{۵۱} است که بدون تحقق ارزش افزوده و یا تولید، به وام‌دهنده تعلق یافته است (شیخ-الاسلام نوری و دیگران، ۱۴۰۲: ۲۵). رویه قضایی آمریکا مستند به قوانین متعدد مانند «قانون مسکن عادلانه»^{۵۲} و «قانون فرصت‌های اعتباری برابر»^{۵۳} همین موضوع را مغایر با روح و اهداف حاکم بر نظام مالی و مقررات حمایت از اشخاص در تعاملات اقتصادی دانسته و بر همین اساس چنین توافقاتی را ممنوع و خلاف قانون قلمداد کرده است.^{۵۴}

۵. ضرورت مواجهه حقوقی با وام غارت‌گرانه؛ رویکردها و ابزارها

با پذیرش امکان وقوع وام غارت‌گرانه ضرورت مداخله حقوقی در راستای تدبیر آن با دو رویکرد همراه شده است که هریک ریشه در مبانی تحلیلی کلان دارد؛ در اولین نگرش فارغ از تحقق سوءاستفاده در چنین قراردادهایی، به‌کارگرفتن ابزارهای حقوقی توصیه‌پذیر نیست، زیرا از یک‌سو افراد از عقلانیت کافی برخوردارند و نادیده‌گرفتن قدرت مصلحت‌سنجی آن‌ها، حقوق را به علمی مداخله‌گر^{۵۵} تبدیل می‌نماید که به علت گسترده‌شدن بی‌ضابطه گزاره‌ها در

50. Reverse Redlining

51. Rent Seeking

52. Fair Housing Act, <https://www.justice.gov/crt/fair-housing-act-1>, 11/15/2024

53. The Equal Credit Opportunity Act, <https://B2n.ir/w64027>, 11/15/2024

54. *Associates Home Equity Services, Inc. v. Troup*, 778 A.2d 529, 534 (N.J. Super. Ct. App. Div. 2001); *Newton v. United Companies Fin. Corp.*, 24 F. Supp.2d 444, 455 (E.D. Pa. 1998); *Williams v. Gelt Fin. Corp.*, 237 B.R. 590, 594 (E.D. Penn. 1999); *United Companies Lending Corp. v. Sargeant*, 20 F. Supp.2d 192, 203 n.5 (D. Mass. 1998); *Clifton Terrace Assocs., v. United Tech. Corp.*, 929 F.2d 714, 719 (D.C. Cir. 1991).

55. Intervention Law



آن، از کارآمدی مطلوب برخوردار نیست. از سوی دیگر، نظم ساختاری موجود در بازار با به-کارگیری سازوکارهای حقوقی غیرمتوازن مخدوش می‌شود، درحالی‌که می‌توان با شناسایی زمینه‌های برهم‌خوردن این تعادل، بدون نیاز به استفاده از حقوق و توسعه بی‌وجه آن، از بروز رفتارهای نامطلوب نیز جلوگیری نمود. به‌عنوان مثال، بیان شده است تلاش برای افزایش رقابت و تنوع ارائه‌دهندگان خدمات تأمین اعتبار به از بین رفتن و یا کاستن از عدم تقارن اطلاعاتی خواهد انجامید و از این طریق بستر شکل‌گیری وام‌های غارت‌گرانه نیز ناهموار خواهد شد (Stark, 2005: 138). افزون بر این، اطمینانی وجود ندارد با استفاده از سازوکارهای حقوقی، مزیتی قطعی برای متقاضیان وام ایجاد شود و موقعیت آن‌ها در بازار بهبود یابد؛ بنابراین راهکارهای حقوقی اولین، مطلوب‌ترین و یا تنها راهحل در مواجهه با این چالش قلمداد نمی‌شوند (Combs, 2006: 628).

در مقابل، بیان شده مطالعات آماری نشان‌گر رو به تزاید بودن تعداد چنین معاملاتی است که به تحقق منازعات حقوقی کم‌وبیش متعدد و مهم منجر شده است. نادیده‌گرفتن این واقعیت، واگذارکردن حل آن به سازوکارهای موجود در بازار و اتکا صرف به تئوری‌های مبتنی بر نفع‌طلبی انسان، چشم‌پوشی از اختلالی است که یکی از کارکردهای مهم حقوق، تلاش برای رفع آن است. به دیگر سخن، تحقق وام غارت‌گرانه از مصادیق «شکست بازار»^۶ است که در آن سازوکارهای بازار آزاد به ورطه ناکارآمدی دچار شده‌اند و تعادل و توازن قوای معامله-گران در آن برهم‌خورده است. بنابراین، با اذعان به لزوم توجه به زمینه‌های شکل‌گیری سوءاستفاده در قراردادها، مداخله حقوق نیز ضروری و اجتناب‌ناپذیر است (Mehkeri, 2014: 50; Lewis, 2003: 493).

رویکردهای مداخله‌گر نیز متنوع و دارای انواع گوناگون است؛ در یک نگرش، وام غارت‌گرانه فاقد ویژگی خاص است و می‌توان بر مبنای نظریات و ابزارهای حقوقی مبتنی بر حمایت از مصرف‌کننده و یا منع سوءاستفاده، به شکلی متناسب روابط طرفین در آن را تدبیر نمود. در کنار اجرای تکالیف مصرح قانونی مبنی بر لزوم مراعات حسن‌نیت در تمام مراحل

مذاکره، انعقاد، اجرا و انحلال قرارداد^{۵۷} به مثابه یکی از قواعد عمومی قراردادهای، از تئوری «غیرمنصفانه بودن»^{۵۸} نیز برای تحلیل این وام استفاده شده است. بر اساس این تئوری، مجموع اقدامات وام‌دهنده شرایطی طاقت‌فرسا بر وام‌گیرنده تحمیل می‌نماید که به دور از وجدان و انصاف است. در نتیجه دادگاه با احراز چنین شرطی می‌تواند با حذف آن از قرارداد، سایر اجزای عقد را اجرا نماید و مانع از تحقق رفتار خلاف انصاف و وجدان علیه وام‌گیرنده شود. این تئوری که در قوانین مختلف بازتاب یافته است،^{۵۹} در رویه قضایی نیز به مثابه یک قاعده عام مورد توجه قرار گرفته است. به عنوان مثال، در پرونده‌ای در آمریکا بیان گردید^{۶۰} استفاده از تکنیک‌ها و روش‌هایی که طرف قرارداد را فاقد یک انتخاب معنادار نماید، به نحوی که تعهداتی را بپذیرد که وجدان سلیم آن را به دور از انصاف بدانند، زمینه اجرای این نظریه است؛ بنابراین، خلاف وجدان بودن معیاری قابل اجرا در تمام مراحل انعقاد و اجرای قراردادهای است (Ament, 2009: 384).

نگرشی دیگر در این رویکرد اگرچه بنیان‌های نظری موجود در حقوق قراردادهای را برای مقابله با وام غارت‌گرانه و سایر مصادیق قراردادهای مبتنی بر سوءاستفاده لازم می‌داند، اما

۵۷. مانند ماده ۳۰۴-۱ قانون متحدالشکل تجاری آمریکا، ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی فرانسه، ماده ۲۴۲ قانون مدنی آلمان، ماده ۲ قانون تعهدات سوئیس، ماده ۲۴۸:۶ قانون مدنی هلند، ماده ۱۳۷۵ قانون مدنی کبک کانادا، ماده ۴۲۲ قانون مدنی برزیل، مواد ۱۱۷۵ و ۱۳۷۵ قانون مدنی ایتالیا، ماده ۷ قانون مدنی چین و مواد ۱(۲) و ۱(۳) قانون مدنی ژاپن. در برخی کشورهای فاقد موضع صریح قانونی، رویه قضایی وجود چنین تعهدی را قاطعانه رسمیت داده است. مانند انگلستان (Re Compound Photonics Group (Renard Constructions (ME) Pty Ltd.; Faulkner v. Vollin Holdings Ltd. [2022] EWCA Civ 1371) و استرالیا (Ltd. v Minister for Public (Works (1992). در کشورهای اسلامی نیز ماده ۱۴۸ قانون مدنی مصر، ماده ۲۴۶ قانون معاملات مدنی امارات متحده عربی، ماده ۱۵۰ قانون مدنی عراق، ماده ۱۹۷ قانون مدنی کویت، ماده ۲۰۲ قانون مدنی اردن و ماده ۱۷۲ قانون مدنی قطر همین رویکرد را اتخاذ کرده‌اند.

58. Uncontionability.

۵۹. ماده ۳۰۲-۲ قانون متحدالشکل تجاری آمریکا، در بریتانیا 1999 Unfair Terms in Consumer Contracts Regulations و ماده ۶۲ Consumer Rights Act، ماده ۳ EU Directive 93/13/EEC on Unfair Terms in Consumer Contracts در اروپا، ماده ۱۳۸ قانون مدنی آلمان، مستفاد از دلالت مواد ۱۱۶۲ و ۱۱۷۱ قانون مدنی فرانسه، بخش ۲۳ از Competition and Consumer Act در استرالیا، ماده ۲۶ Contract and Commercial Law Act زلاندنو و ماده ۹۰ قانون مدنی ژاپن.

60. Williams v. Walker-Thomas Furniture Co., 350 F.2d 445 (D.C. Cir. 1965)



کلی بودن و گاه ابهام آن‌ها را مانع از تحقق مواجهه مؤثر قلمداد می‌نماید. به عنوان مثال، طبق این دیدگاه تئوری غیرمنصفانه بودن در رویه قضایی به سمت ماهیتی کمی سوق داده شده است؛ در نتیجه در احراز و مقابله با مصادیقی از وام‌های غارت‌گرانه شامل وجود قیمت‌های ناعادلانه یا سودهای گزاف کارآمد است، اما پیرامون شروط و یا اوضاع و احوال کیفی با چالش مواجه خواهد بود. همچنین الزام وام‌دهنده به افشای تمام تبعات مالی و عواقب عدم پای‌بندی به قرارداد، در عمل به مصادیقی چون میزان سود حقیقی وام‌دهنده محدود شده است؛ گواینکه، به علت پیچیدگی روابط مالی این امکان وجود دارد که علی‌رغم ارائه اطلاعات به وام‌گیرنده، توان تحلیل و ارزیابی موقعیت از جانب او وجود نداشته باشد (Fisher, 2008: 592).

بنابراین، نمی‌توان انتظار داشت چنین قواعدی به شکل کامل وضعیت حقوقی وام‌های تهاجمی را سامان داده و اهداف قانون‌گذار را محقق نمایند. در چنین دیدگاهی وجود ضوابط قانونی ضد وام غارت‌گرانه^{۶۱} ضروری بوده و تنها در این صورت است که اقدامات حقوقی در قالب پیگیری قضایی وام‌گیرنده اثرگذار و قاطع خواهد بود (Lewis, 2003: 494). کامل‌ترین مصداق پذیرش این رویکرد در حقوق آمریکا قابل ملاحظه است که در آن قوانین و مقررات متعددی به شکل خاص درباره وام‌های تهاجمی وضع شده است.^{۶۲} همچنین نهادها و مراجع حقوقی و قضایی مختلف نیز، هریک با شرح وظایف مشخص به جنبه‌ای خاص از چنین وام‌هایی رسیدگی می‌کنند و ضوابط مرتبط با آن را تعیین کرده‌اند.^{۶۳} مجمع این اقدامات در کنار

61. Anti Predatory Loans laws

۶۲. مهم‌ترین مصادیق در سطح فدرال قوانین و مقررات زیر است:

Truth in Lending Act (TILA) (1968), Home Ownership and Equity Protection Act (HOEPA) (1994), Real Estate Settlement Procedures Act (RESPA) (1974), Dodd-Frank Wall Street Reform and Consumer Protection Act (2010), Fair Debt Collection Practices Act (FDCPA), (1977), Equal Credit Opportunity Act (ECOA) (1974), Community Reinvestment Act (CRA) (1977), Servicemembers Civil Relief Act (SCRA) (2003).

۶۳. مهم‌ترین نهادهای مرتبط عبارت‌اند از:

Consumer Financial Protection Bureau (CFPB), Office of the Comptroller of the Currency (OCC), Federal Reserve Board (FRB), Federal Deposit Insurance Corporation (FDIC), Federal Trade Commission (FTC), U.S. Department of Housing and Urban Development (HUD),



مقررات خاص ایالات مختلف^{۶۴} در تمام سطوح وضع قاعده و ضوابط حقوقی و نهادسازی، موجب شده است به تدریج ضوابط مرتبط با وام‌های غارت‌گرانه ضابطه‌مند شده و ابهامات آن به شکل چشم‌گیر کاسته شود.

بر اساس مجموع مقررات، مبانی و ساختارهای موجود وام‌گیرنده قادر به طرح دعوا خواهد بود. با اثبات غارت‌گرانه بودن وام و در مقام اجرای قاعده «مداد آبی»^{۶۵}، دادگاه امکان حذف شرط و یا جزء خلاف قانون از قرارداد را خواهد داشت.^{۶۶}

۶. وام غارت‌گرانه از منظر فقه اسلامی و حقوق ایران

ارزیابی و مطالعه ضوابط وام غارت‌گرانه نشان از ربط وثیق آن با حسن‌نیت و سازوکارهای حقوقی مرتبط با آن مانند منع سوءاستفاده از حق دارد. براین اساس، در تحلیل جایگاه آن در نظام حقوق اسلام و ایران ابتدا باید مبانی قابل‌تطبیق با آن را مورد ارزیابی قرار داد سپس به این سؤال پرداخت که آیا ضوابطی اختصاصی پیرامون چنین وامی وجود دارد یا خیر؟ در فقه اسلام حسن‌نیت در دو معنای متفاوت به کار می‌رود که دارای زمینه‌های اجرا و آثار متفاوت است؛ در معنای اول که می‌توان آن را دارای دلالت توصیفی دانست، حسن‌نیت به معنی

۶۴. به عنوان نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

North Carolina Anti-Predatory Lending Law, Illinois High Risk Home Loan Act, Massachusetts Predatory Home Loan Practices Act, Illinois Predatory Lending Database Program, Connecticut Abusive Home Loan Lending Practices Act, Virginia Payday Loan Act, Montana Deferred Deposit Loan Act, Washington State Payday Lending Law, Illinois Predatory Loan Prevention Act.

65. Blue Pencil Rule

66. The Uniform Consumer Credit Code (UCCC), S. 5- 108 (1): "With respect to a transaction that is, gives rise to, or leads the debtor to believe will give rise to, a consumer credit transaction, if the court as a matter of law finds: (a) the agreement or transaction to have been unconscionable at the time it was made, or to have been induced by unconscionable conduct, the court may refuse to enforce the agreement; or (b) any term or part of the agreement or transaction to have been unconscionable at the time it was made, the court may refuse to enforce the agreement, enforce the remainder of the agreement without the unconscionable term or part, or so limit the application of any unconscionable term or part as to avoid any unconscionable result..."



یقین مبتنی بر اعتقاد نادرست است که بر اساس آن شخص به تصور و پندار قانونی بودن، تصرفاتی انجام می‌دهد (عبدالله احمد، ۲۰۲۱: ۴۲۳). در این کاربرد، حسن‌نیت معنای عدم اطلاع از واقع را افاده می‌نماید که طبق آن شخص بر صحت عمل خود معتقد است، درحالی‌که از نظر حقوقی و منطبق با معیارهای مندرج در قانون عمل او بی‌اعتبار و با اتکا بر معیارهای ثبوتی، موجب حق نیست (خزائی و اله‌مرادی، ۱۴۰۲: ۶۰)؛ مانند اینکه شخص با اعتقاد به وجود یکی از اسباب مملکه در مال دیگری تصرف نماید، درحالی‌که به عللی مانند بروز اشتباه در تشخیص مالک یا بقای سبب ناقل، چنین اعتقادی خلاف واقع باشد (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۶: ۲۸۵). این معنای حسن‌نیت با وجود برخی مصادیق قابل تطبیق در قوانین در فقه امامیه و به تبع حقوق ایران به شکل مشخص و در قالب یک تئوری مورد پذیرش قرار نگرفته است.^{۷۷} (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۸: ۲۸۸؛ هم او، ۱۳۸۲: ۲۶۶). اعتباربخشی حقوقی به این معنا از حسن‌نیت، زمینه‌ساز حمایت از شخص و یا حکم به عدم مسئولیت او است. درحالی‌که حسن‌نیت به‌مثابه مبنای ممنوعیت وام غارت‌گرانه، الزام و تکلیفی قانونی برای اشخاص ایجاد می‌نماید که در صورت نقض، از منظر تکلیفی و وضعی دارای اثر حقوقی است؛ بنابراین، معنای دوم حسن‌نیت الزام به پیراستن عمل از تقلب و فریب و وجوب مراعات جوانب حسن‌رفتار است. حسن‌نیت در این معنا بر مبنای اخلاقی استوار است و براساس آن فراتر از معیار شخصی، فرد باید به میزان انتظار و توقع متعارف، از پنهان‌کاری، دروغ، فریب و هرآنچه تصور خلاف واقع در ذهن و ضمیر طرف مقابل ایجاد می‌کند، خودداری نماید؛ در غیر این صورت، افزون بر مسئولیت اخلاقی، مسئول جبران کلیه خساراتی است که به‌علت نقض این التزام به دیگران وارد آمده است (Bagheri & Akbarineh, 2024: 247). این وجه از حسن‌نیت آن را به یک اصل و قاعده الزام‌آور تبدیل می‌کند که در تمام مراحل شکل‌گیری و اجرای اعمال حقوقی، نقش‌آفرینی می‌نماید. پذیرش این معنا در فقه اسلامی محل تردید و مباحث فراوان بوده است؛ زیرا از یک‌سو، در مبنای اخلاق اسلامی توجه به حسن

۷۷. ضوابط مرتبط به وطی به شبهه (ماده ۱۰۵۰ ق.م.)، بقای خيار فسخ نکاح در فرض جهل به فوریت (ماده ۱۱۳۱ ق.م.) وکالت ظاهری (ماده ۶۸۰ ق.م.)، تصرفات در حکم غصب (ماده ۳۲۵ ق.م.) و قابل استناد نبودن محدودیت اختیارات مدیران شرکت نسبت به اشخاص ثالث (ماده ۱۱۸ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷) بر مبنای حسن‌نیت به این معنی توجیه‌پذیر است.

سلوک و پرهیز از سوءرفتار امری ضروری و قطعی است که در آیات قرآن و احادیث مؤیدات فراوانی درباره آن وجود دارد (Khan et al., 2019: 150); مبتنی بر همین آموزه‌ها در ضوابط فقهی مواردی مانند ممنوعیت تدلیس، نجش و غش در معامله^{۶۸} و تلقی رکبان و حدیث لاضرر با توجه به زمینه و علت صدور آن مطرح شده است. اما از سوی دیگر، حسن نیت به مثابه قاعده‌ای فقهی با مفادی الزام‌آور با توان استنباط و اثربخشی در تبیین و ایجاد مسئولیت مورد پذیرش واقع نشده است. به همین علت، نمونه‌هایی پر تعداد در ضوابط فقهی قابل ملاحظه است که حسن نیت مؤلفه‌ای اثرگذار و تغییرآفرین قلمداد نشده است، مانند تقدم حق مالکیت بر تصرف با حسن نیت، ضمان طبیب و مسئولیت ایادی متعاقبه در غصب (جعفری و حیدری، ۱۳۹۶: ۳۳۶).

اختلاف نظر پیرامون جایگاه قاعده حسن نیت در فقه و حقوق ایران بر مبنای یکسان نبودن رویکرد انتخابی است. گروهی با اتکا به مبانی اخلاقی و لزوم توجه به مؤیدات بر این عقیده‌اند که عدم تصریح به یک قاعده به معنای عدم اعتبار آن نیست؛ زیرا مجموع قرائن موجود نشان از وجود ظرفیت پذیرش این قاعده در نظام حقوقی اسلام است. افزون بر این اعمال آن در کنار افزایش کارآمدی، وجهه اخلاقی فقه قرارداده‌ها را تقویت می‌نماید و با ایجاد تعهد به پاسداشت حسن سلوک در قالبی حقوقی مانع از تحقق سوءاستفاده و فریب می‌شود. امری که با روح حاکم بر قوانین فقه اسلامی انطباق تام دارد (صالحی و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۴؛ کاتوزیان و عباس-زاده، ۱۳۹۲: ۱۸۵؛ نقیعی و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۳). اما گروهی دیگر با تأکید بر لزوم تفکیک اخلاق و فقه به مثابه دو منظومه فکری مستقل با سازوکارهای مختص خود، بیان می‌دارند افزودن مفاهیمی سیال و بدون ضابطه معنایی دقیق مانند حسن نیت به قلمرو الزامات فقهی ابهام‌آفرینی در آن را در پی دارد و موجب درهم‌رفتگی معیارهای اخلاق و فقه خواهد شد، درحالی‌که به علت متأثر بودن شدید حسن نیت از شرایط و اوضاع و احوال پیرامونی نمی‌توان طبق آن معیاری مشخص جهت رفع خصومت یا ایجاد الزام به دست داد (هدی، ۲۰۱۳: ۲۳). به همین

۶۸. نجش به معنی تبانی با مالک و تظاهر به تمایل خرید کالای او با قیمتی بیش از نرخ متعارف است تا دیگران نیز متمایل به خرید با این قیمت شوند (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۸: ۷۱۱). غش نیز به معنای ظاهرسازی و انجام رفتاری برای نمایاندن امری خلاف واقع است (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۸: ۵۲۴).



علت، در حقوق اسلام به جای توجه به حسن‌نیت، بر مفهوم «ضرر» و منع از بروز آن تأکید شده است (بهرامی، ۱۳۷۰: ۲۲۸). همچنین بیان شده است حتی با الغای خصوصیت از مصادیق نهی از سوءنیت، از آنجا که «نهی از شی اقتضای الزام و امر به ضد آن را ندارد»، نمی‌توان از منع سوءنیت به الزامی بودن حسن‌نیت نظر دارد (جعفری و حیدری، ۱۳۹۶: ۳۴۱؛ بافهم و دیگران، ۱۴۰۲: ۹). افزون بر این، استناد به مصادیق نهی، مانند حدیث «عَنْ الْمُسْتَرْسِلِ سُحْتٌ» یا «عَنْ الْمُؤْمِنِ حَرَامٌ» که از سوی برخی صورت گرفته است (علیزاده، ۱۳۸۴: ۱۱۲)، دلالتی بر اثر فریب و اقداماتی که فریب‌خورده می‌تواند انجام دهد و یا اثر وضعی آن در اعتبار اعمال حقوقی حاصل از قلب و فریب ندارد و صرفاً بیان‌گر حرمت فریب دیگران است. بنابراین، نهی به امری خارج از ماهیت معامله تعلق گرفته است و به بی‌اعتباری و یا عدم نفوذ آن منجر نخواهد شد (حاجی‌پور، ۱۳۹۲: ۴۸).

برخی بر این نظراند که در حقوق اسلامی نیازی به پذیرش قاعده حسن‌نیت نیست؛ زیرا نتایج آن از طریق نهادهای دیگر تحقق یافته است. به عنوان مثال، قاعده لاضرر و یا ضرورت انجام تجارت مبتنی بر تراضی (آیه ۲۹ سوره نساء) زمینه‌ساز حمایت متناسب از طرفین قرارداد در مقابل سوءنیت است و ضمانت‌اجرای آن نیز شامل امکان فسخ و یا بی‌اعتباری عمل حقوقی تعیین شده است؛ بنابراین جز در مصادیق تعیین‌شده که امکان تأویل آن‌ها به حسن‌نیت به مفهوم الزام وجود دارد، اصطیاد و استنباط قاعده‌ای مستقل بر مبنای نمونه‌ها وجود ندارد. بر همین اساس، الزام به حسن‌نیت در نظام حقوقی اسلام در مواردی خاص و تعیین‌شده و مادامی است که تعهد قراردادی ایجاد شده باشد؛ در نتیجه پیش از انعقاد قرارداد و در مرحله مذاکره چنین الزامی وجود ندارد (سیمایی صراف، ۱۳۹۳: ۷۰).

به نظر می‌رسد رویکرد اخیر را می‌توان نگرش غالب در فقه دانست؛ زیرا به علت وجود نمونه‌هایی در هر دو وجه استدلال، استناد صرف به آن‌ها اثبات‌کننده مدعا و قوام‌بخش آن نیست. از سوی دیگر، تردیدهای بی‌پایان درباره موضوعاتی مانند اثر سوءاستفاده از وضعیت اضطراری (عبدی‌پور، ۱۳۷۶: ۱۰۹) نشان می‌دهد حسن‌نیت فراتر از تردیدهایی پیرامون مفهوم و گستره اعمال، به مثابه قاعده‌ای الزام‌آور و قابل استناد در موقعیت‌های مختلف پذیرفته نشده

است. درحالی‌که اصلی‌ترین وصف قاعده فقهی امکان استنباط احکام بر اساس آن است که در این مورد با تردید و چالش جدی مواجه است. در نتیجه، آثار احتمالی اعمال آن نیز مبهم و محل اختلاف است (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۸۵). حقوق ایران نیز از همین موضع متابعت کرده است؛ زیرا با وجود مواد قانونی پراکنده،^{۶۹} قاعده‌ای عام مبنی بر الزام به مراعات حسن‌نیت در قوانین ایران تبیین نشده است. به‌ویژه سکوت قانون ایران با وجود امکان اقتباس از مواد ۱۱۳۴ و ۱۳۷۸ قانون مدنی قدیم فرانسه^{۷۰} در زمان تدوین ماده ۲۱۹ قانون مدنی نشان از عدم پذیرش آن و متابعت از رویکرد مشهور فقهی دارد (خزائی و اله‌مرادی، ۱۴۰۲: ۶۷؛ جعفری‌لنگرودی، ۱۳۷۸: ۲۰۷). افزون‌براین، نتایج و آثار حقوقی پذیرش قاعده حسن‌نیت نیز چندان مورد ارزیابی قرار نگرفته است و مشخص نیست با اعتباربخشی به آن باید حکم به بی‌اعتباری اعمال حقوقی مبتنی بر سوءنیت نمود، حکم به جبران خسارت از سوی فرد با سوءنیت کرد و یا از سازوکارهایی مانند عدم قابلیت استناد و یا بطلان جزئی قرارداد بهره برد؟ یادآوری اینکه در نظام فقه و حقوق ایران در اعمال قاعده «مداد آبی» و حذف قضایی جزء بی‌اعتبار قرارداد و آثار آن مانند توزیع ثمن، چالش‌های نظری فراوان وجود دارد که راه‌حلی قاطع در قانون برای آن مطرح نشده (وکیلی مقدم، ۱۴۰۰: ۲۵۲)، نشان می‌دهد با فرض پذیرش قاعده حسن‌نیت، آثار حقوقی آن نیز محل تردید و اختلاف خواهد بود؛ امری که همچنان بر تردیدهای مبنی بر ضابطه‌مند بودن آن در قالب یک قاعده مشخص با دلالت معنایی و آثار غیرمبهم می‌افزاید.

ارزیابی و تحلیل ضوابط حاکم بر قرض و اعطای وام نیز ضروری است. در فقه اسلامی تردیدی در وجوب ادای دین نیست و حتی نیت ادای قرض هم برای مدیون ضروری و واجب

۶۹. مانند اصل ۴۰ قانون اساسی، ماده ۱۳۲ قانون مدنی، ماده ۳۵ و ۵۰ قانون تجارت الکترونیکی، مواد ۱۱ و ۱۲ قانون بیمه، ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی، ماده ۴۲۶، ۴۹۰ و ۵۲۹ قانون تجارت، ماده ۱۷۹ قانون دریایی و ماده ۱ قانون مواد خوردنی، آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی. توجه به این نکته مهم است که تمام مصادیق بر اساس ترجمه و اغلب در موضوعات فاقد سابقه طرح مشخص در فقه در حقوق ایران وارد شده‌اند.

۷۰. در اصلاحات ۲۰۱۶ قانون مدنی فرانسه ماده ۱۱۰۴ رعایت حسن‌نیت را در تمام مراحل مذاکره، تشکیل و اجرای قراردادها الزامی و از مصادیق نظم عمومی می‌داند:

"Les contrats doivent être négociés, formés et exécutés de bonne foi. Cette disposition est d'ordre public."



دانسته شده است؛ اما بر استحباب و مراعات حال او و یا ابراء دین مدیون متوفی در حالت اعسار از جانب صاحب دین نیز تأکید شده است (حلی، ۱۴۲۳: ۱۱). مستند به آیه ۲۸۰ سوره بقره^{۷۱} نیز الزام معسر به پرداخت یک‌جای دین و یا اقداماتی مانند حبس او مجاز قلمداد نمی‌شود (راوندی، ۱۴۰۵: ۳۸۱). بر مبنای این آیه و احادیث مرتبط با آن «باب انظار معسر» در کتب فقهی مطرح شده است و در ذیل آن موضوعاتی مانند قلمروی ارفاق به مدیون معسر و امکان به‌کارگیری بدون اجرت او برای تسویه دین و بررسی امکان استقراض جدید از سوی او مورد تحلیل فقهی قرار گرفته است (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۴؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۵۸؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۲۷۲). از مجموع آموزه‌های قرآنی، احادیث و تحلیل‌های فقهی می‌توان دریافت در فقه اسلامی استقراض عملی ممدوح و ابزاری در راستای مددکردن و یاری به نیازمندان است. تلاش بر این بوده است که ایجاد توازن در حقوق و تکالیف میان طرفین از یک‌سو افراد توانمند به آن ترغیب شوند و از سوی دیگر، زمینه‌ای برای سوءاستفاده وام‌گیرندگان فراهم نیاید. بنابراین می‌توان گفت لزوم رعایت حسن‌نیت با مبانی قرض در فقه اسلامی منطبق است؛ زیرا نمی‌توان عمل مبتنی بر خیرخواهی را با سوءنیت مشوب و آمیخته نمود. با این همه، در منابع فقهی به شکل خاص و مستقل به این بحث اشاره نشده و زمینه و امکان تحقق سوءاستفاده از این عمل حقوقی، آثار وضعی آن و راهکارهای مقابله با آن مورد بحث و تحلیل قرار نگرفته است.

به متابعت از همین رویکرد، قانون مدنی ایران نیز در فصل یازدهم از باب سوم خود تنها با پنج ماده به قرض پرداخته است. اجمال مطالب این فصل در حدی است که حتی ضوابط و الزامات مربوط به ربای قرضی را نیز مورد توجه قرار نداده و با حذف ماده ۶۵۳^{۷۲} در ۱۳۷۰/۰۸/۱۴ به علت شبهه ربوی بودن، تبیین و تحلیل موضوع به منابع فقهی واگذار شده است.

۷۱. وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

۷۲. «مقترض می‌تواند به وجه ملزومی به مقرض وکالت دهد در مدتی که قرض بر ذمه او باقی است مقدار معینی از دارایی مدیون را در هر ماه یا در هر سال مجاناً به خود منتقل نماید».



از آنجا که مهم‌ترین زمینه اعطای وام و استقراض سازمانی توسط بانک‌ها و مؤسسات مالی صورت می‌گیرد، بررسی ضوابط حاکم بر فعالیت آن‌ها نیز می‌تواند در فهم بهتر موضع نظام حقوقی ایران در این موضوع مؤثر باشد. در ماده ۱ «قانون عملیات بانکی بدون بهره (ربا)» یکی از اهداف نظام بانکی در ایران استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (بند ۱)، گسترش تعاون عمومی از طریق جذب سرمایه‌های آزاد و تجهیز آن‌ها جهت تأمین شرایط کار و سرمایه‌گذاری (بند ۳) و تسهیل در امور پرداخت‌ها و دریافت‌های مالی (بند ۵) عنوان شده است. از مواد مختلف مانند مواد ۷ تا ۱۷ این قانون نیز می‌توان دریافت هدف نهایی از بانکداری، فراهم‌نمودن تسهیلات لازم در ارائه خدمات تولیدی، بازرگانی و خدماتی است. در آیین‌نامه تسهیلات اعطایی مرتبط با این قانون نیز در مواد مختلف شرایط انواع معاملات بانکی مانند مشارکت حقوقی، سرمایه‌گذاری مستقیم، مضاربه، معاملات سلف، اجاره به شرط تملیک و جعاله مطرح شده که در تمام آن‌ها تلاش شده است با تبیین ضوابط، استانداردهای رفتاری بانک‌ها در انعقاد قراردادهای مزبور در راستای تحقق تسهیل سرمایه‌گذاری محقق شود.

همین رویکرد کلی در «قانون تسهیل اعطای تسهیلات بانکی و کاهش هزینه‌های طرح و تسریع در اجرا طرح‌های تولیدی و افزایش منابع مالی و کارآیی بانک‌ها» قابل‌ملاحظه است. طبق این قانون، دریافت وثیقه خارج از ارزش دارایی و عواید آتی طرح، از گیرندگان تسهیلات که توان مجری و توجیه اقتصادی، فنی و مالی و قابل‌ترهین طرح آن‌ها به تأیید بانک می‌رسد، توسط بانک‌های عامل ممنوع است (ماده ۱). همچنین در راستای ضابطه‌مند کردن کارمزد پوشش ریسک، مقرر شده است بانک‌های عامل می‌توانند حداکثر معادل دو درصد (۲٪) ارزش کسری وثایق طرح را به‌عنوان کارمزد پوشش ریسک برای یکبار دریافت نمایند (تبصره ۵ ماده ۱). برخی دیگر از ضوابط مرتبط نیز قابل ذکر است. به‌عنوان نمونه، بر اساس «ضوابط سیاستی نظارتی شبکه بانکی کشور در سال ۱۳۸۸» مصوب شورای پول و اعتبار مقرر شده است: «بانک‌ها زمانی مجاز به انعقاد قراردادهای تسهیلاتی با مشتریان هستند که اصل و سود مورد انتظار در موعد مقرر توسط مشتری قابل‌بازگشت ارزیابی گردد» (تبصره ۲ ماده ۲).



مفاد این مقرر به خوبی با یکی از الزامات حاصل از حسن‌نیت در انعقاد قرارداد انطباق دارد؛ زیرا چنان‌که آمد، یکی از مصادیق وام غارت‌گرانه اعطای وام باوجود احراز عدم توانایی شخص در بازپرداخت اقساط آن است. همچنین بر اساس ماده ۳۱ «قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار» بانک مرکزی ایران موظف شده است دستورالعمل ثبت الکترونیکی قراردادهای تسهیلات بانکی را تهیه و به تصویب شورای پول و اعتبار برساند. در این سامانه کلیه اطلاعات مربوط به ضمانت، ارزیابی وثایق، امهال مطالبات، اقرار به دین، تهاتر، صلح و هر نوع توافق مرتبط به تسهیلات ثبت و در دسترس گیرنده تسهیلات قرار می‌گیرد. بر اساس تبصره ۳ این ماده، کلیه اقدامات قضایی مربوط به تسهیلات مانند صدور اجرائیه و دادخواست مطالبه وجه صرفاً بر اساس اطلاعاتی خواهد بود که در این سامانه ثبت شده‌اند. این روش می‌تواند بخشی از اشکالات مربوط به پنهان‌کاری بانک و یا عدم اطلاع وام‌گیرندگان را از شرایط دریافت وام و تبعات نقض، مرتفع نماید و معادلی برای تعهد به افشای کامل اطلاعات در نظام-های حقوقی دیگر شود.

ارزیابی اجمالی این مقررات نیز نشان می‌دهد در مقررات نظارتی مرتبط به بانک‌داری، اصل حسن‌نیت به شکل مشخص و در قالب یک قاعده الزامی موردتوجه قرار نگرفته است. وجود برخی نمونه‌های قابل‌تطبیق و پراکنده که به نظر می‌رسد بر مبنای اقتباس موردی از مقررات سایر کشورها باشد نیز از قوت کافی برای ایجاد یک قاعده و ساختار نظام‌مند برخوردار نیست؛ به‌نحوی که با ارزیابی این مقررات نمی‌توان قائل به وجود این قاعده و ممنوعیت وام‌های غارت‌گرانه در نظام بانکی ایران شد، جز در مواردی که به شکل خاص، چنین وامی با یکی از مقررات و ضوابط قانونی معارضه داشته باشد.

۷. نتیجه‌گیری

وام غارت‌گرانه مجموعه‌ای از سازوکارها و اقدامات ناعادلانه‌ای است که نشانگر سوءنیت وام‌دهنده و طراحی هدفمند او برای بهره‌برداری از ضعف یا نقض تعهدات وام‌گیرنده است.

گسترش تدریجی نهادهای مالی غیرسنتی و نقش پررنگ وام در تأمین مالی افراد و بنگاه‌ها، همراه با افزایش دعاوی مرتبط با سوءاستفاده در فرآیند اعطای وام، لزوم مداخله و تنظیم‌گری مؤثر حقوقی را دوچندان کرده است. بسیاری از نظام‌های حقوقی با تکیه بر اصل بنیادین حسن‌نیت، مصادیق وام‌های غارت‌گرانه را شناسایی کرده و از طریق ابزارهایی چون تعدیل یا حذف جزئی مفاد قرارداد، حمایت مؤثری از وام‌گیرندگان فراهم کرده‌اند. در نظام حقوقی ایران، مواجهه با این پدیده با چالش‌های اساسی روبه‌رو است. از یک‌سو، مبنای فقهی اصل حسن‌نیت همچنان محل بحث است و از سوی دیگر، مقررات ناظر بر اعطای وام فاقد ساختاری منسجم و مشخص برای مقابله با مصادیق سوءاستفاده‌اند. افزون بر این، ابهام در تعیین آثار حقوقی چنین ناهنجاری‌هایی (نظیر امکان بطلان، تعدیل یا عدم قابلیت استناد قرارداد) بر پیچیدگی موضوع افزوده است.

مطالعات صورت‌گرفته در این مقاله، یکی دیگر از خلأهای حاصل از ابهام و عدم پذیرش اصولی همچون منع سوءاستفاده و حسن‌نیت در حقوق ایران را نمایان می‌سازد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فقهی و نمونه‌های پراکنده حقوقی، اصل حسن‌نیت را به‌عنوان قاعده‌ای الزام‌آور به رسمیت شناخته و آثار عدم رعایت آن را به‌صراحت معین نماید. این امکان نیز فراهم است که فراتر از ابهامات و تردیدهای نظری، وام غارت‌گرانه به‌مثابه مصداق موردپذیرش تحقق سوءنیت و سوءاستفاده قلمداد شده و با تعیین مصادیق مشخص در فرآیند استقراض و تدوین ضمانت‌اجراهای متناسب، نقش نظام حقوقی در توزیع عادلانه منابع مالی و جلوگیری از انحصار و استثمار مالی به‌درستی ایفا شود. ضروری است در راستای حمایت از وام‌گیرنده شروط مبتنی بر سوءاستفاده مستند به بند ۳ ماده ۲۳۲ قانون مدنی بی‌اعتبار قلمداد شوند و از این طریق توازن جایگاه معاملاتی طرفین تحقق یابد. مجموع این تدابیر افزون بر اخلاقی‌تر کردن حقوق ایران می‌تواند گردش و توزیع بهتر سرمایه را نیز بهبود ببخشد تا اشخاص یا نهادهای سرمایه‌دار صرفاً بر اساس برخورداری از منابع مالی امکان کسب منافع هنگفت را نداشته باشند. امری که با روح مبانی حاکم در فقه اسلامی نیز انطباق تام دارد.



۸. منابع

۱-۸) منابع فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. بهرامی، حمید (۱۳۷۰). *سوءاستفاده از حق، مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام و دیگر نظام‌های حقوقی*، چاپ دوم، تهران: اطلاعات.
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). *حقوق تعهدات*، چاپ اول، تهران: گنج دانش.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۲). *فرهنگ عناصرشناسی*، چاپ اول، تهران: گنج دانش.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶). *الفارق*، جلد دوم، چاپ اول، تهران: گنج دانش.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸). *وسیط در ترمینولوژی حقوق*، چاپ دوم، تهران: گنج دانش.
۶. عبدی‌پور، ابراهیم، (۱۳۷۶). *بررسی تطبیقی مفهوم و آثار اضطرار در حقوق مدنی*، چاپ اول، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۷. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۷). *قواعد عمومی قراردادها*، جلد سوم، چاپ پنجم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

ب) مقالات

۸. بافهم، محمد؛ فهیمی، عزیزآله و مهدی حسن‌زاده (۱۴۰۲). «ضمانت اجرای ممنوعیت سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی ایران و فرانسه»، *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره ۲۷، شماره ۳، صص ۱-۴۸.
۹. جعفری، علی و علی‌مراد حیدری (۱۳۹۶). «امکان‌سنجی اصطیاد قاعده فقهی حسن‌نیت»، *فقه و مبانی حقوق اسلامی*، سال ۵۰، شماره ۲، صص ۳۲۹-۳۴۴.
۱۰. حاجی‌پور، مرتضی (۱۳۹۲). «حسن‌نیت تکلیفی در فقه امامیه»، *فقه و حقوق اسلامی*، سال

- ۴، شماره ۷، صص ۳۱-۶۸.
۱۱. خزائی، سیدعلی و حنانه الله‌مرادی (۱۴۰۲). «نقدی بر دیدگاه پذیرش اصل حسن‌نیت در انعقاد قرارداد در حقوق ایران»، *مطالعات فقه حقوق اسلامی*، سال ۱۵، شماره ۳۰، صص ۵۷-۸۰.
۱۲. سیمایی صراف، حسن (۱۳۹۳). «بررسی تطبیقی حسن‌نیت در فقه، حقوق خارجی و اسناد بین‌المللی»، *آموزه‌های فقه مدنی*، شماره ۱۰، صص ۵۱-۷۲.
۱۳. شیخ‌الاسلام نوری، الهام؛ پارساپور، محمدباقر و پژمان محمدی (۱۴۰۲). «شرایط ممنوعیت معامله تبعیض‌آمیز (مطالعه تطبیقی حقوق ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و ایران)»، *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره ۲۷، شماره ۱، صص ۲۳-۵۴.
۱۴. صالحی، اسماعیل؛ خدانی، پدرام و عباس پهلوان‌زاده (۱۴۰۲). «قواعد حسن‌نیت و رفتار منصفانه در قراردادها در فقه و حقوق ایران با مطالعه تطبیقی حقوق اتحادیه اروپایی»، *مطالعات فقه اقتصادی*، دوره ۵، شماره ۵، صص ۲-۱۷.
۱۵. علیزاده، مهدی (۱۳۸۴). «مبانی اصل حسن‌نیت در رفتار منصفانه در قراردادها»، *الهیات و حقوق*، شماره ۱۵ و ۱۶، صص ۹۵-۱۲۶.
۱۶. کاتوزیان، ناصر و محمدهادی عباس‌زاده (۱۳۹۲). «حسن‌نیت در حقوق ایران»، *فصلنامه حقوق*، دوره ۴۳، شماره ۳، صص ۱۶۷-۱۸۶.
۱۷. نقیبی، ابوالقاسم؛ تقی‌زاده، ابراهیم و عباس باقری (۱۳۹۳). «جایگاه حسن‌نیت در فقه امامیه»، *حقوق اسلامی*، سال ۱۵، شماره ۱، صص ۳۳-۵۷.
۱۸. وکیلی‌مقدم، محمدحسین (۱۴۰۰). «بررسی قاعده مداد آبی در کامن‌لا و تطبیق آن با فقه اسلامی و حقوق ایران»، *پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، سال ۸، شماره ۱، صص ۲۳۱-۲۵۸.

۲-۸) منابع عربی

الف) کتاب‌ها



۱۹. حلی، حسن ابن یوسف (۱۴۲۳). *تذکره الفقهاء*، جلد سیزدهم، چاپ اول، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۲۰. راوندی، قطب الدین (۱۴۰۵). *فقه القرآن*، جلد اول، چاپ دوم، قم: مکتب آیه الله مرعشی نجفی.
۲۱. صدوق، محمد ابن علی (۱۴۱۳). *من لایحضره الفقیه*، جلد دوم، چاپ دوم، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۲. طوسی، ابوجعفر (۱۴۰۷). *الخلافا*، جلد سوم، چاپ اول، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۳. کلینی، ابوجعفر (۱۴۰۷). *الکافی*، جلد چهارم، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

ب) مقالات

۲۴. عبدالله احمد، خدیجه (۲۰۲۱). «مبدأ حسن النیه فی المعاملات، دراسه المقارنه»، *مجله الشریعه و القانون*، شماره ۳۸، صص ۴۱۷-۴۹۷.
۲۵. هدی، بنایوب (۲۰۱۳). *مبدأ حسن النیه فی العقود*، جامعه العربی بن مهیدی، الجمهوریه الجزائریه، مذکره لنیل شهاده الماجیستر تخصص قانون العقود.

۳-۸) منابع انگلیسی

A) Books

26. Garner, Bryan (2011). *Black's Law Dictionary*, West Published, 9th Edition.

B) Articles

27. Agarwal, Sumit (2013). "Predatory Lending and the Subprime Crisis", *Fisher college of Business*, Working paper series, No. WP 2012-8.
28. Ament, Hirsh (2009). "Predatory Lending: What Will Stop It", *Journal of Business & Technology Law*, 4(2), pp. 371- 394.
29. Austin, Regina (2004). "Of Predatory Lending and the Democratization of Credit: Preserving the Social Safety Net of Informality in Small-Loan Transactions",

- American University Law Review*, 53(6), pp. 1211-1258.
30. Bagheri, Ali; Akbarineh, Parvin (2024). "Good Faith As The Common Core Of Pre-Contractual Information Disclosure In The Iranian Law And The Principles Of European Contract Law", *Revista do Curso de Direito do UNIFOR*, 15(1), pp. 246-260.
 31. Bond, Philip (2008). "Predatory Mortgage Lending", *Federal Reserve Bank of Philadelphia*, Research Department Working Paper, No. 08-24.
 32. Carr, James; Kolluri, Lopa (2010). "Predatory Lending: An Overview", *Fannie Mae Foundation Workpaper*, No. 12/10.
 33. Combs, Lincoln (2006). "Banking Law and Regulation: Predatory Lending in Arizona", *Arizona State Law Journal*, 38(2), pp. 617- 632.
 34. Donald, Morgan (2007). "Defining and Detecting Predatory Lending", *Econ Store & Federal Reserve Bank of New York Staff Report*, No. 273.
 35. Drury, Lbyd (2009). "Predatory Lending and Its Impact on Consumer Credit", *Loyola Journal of Public Interest Law*, 10, pp. 137-148.
 36. Engel, Kathleen; McCoy, Patricia (2002). "A Tale of Three Markets: The Law and Economics of Predatory Lending", *Texas Law Review*, 80(6), pp. 1255-1367.
 37. Entin, Jonathan; Yazback, Shadya (2007). "City Governments and Predatory Lending", *Fordham Urban Law Journal*, 34(2), pp. 757-784.
 38. Fisher, Dustin (2008). "Selling the Payments: Predatory Lending Goes Primetime", *John Marshall Law Review*, 41(2), pp. 587-610.
 39. Foodman, Stanley (2019). "Predatory Lending and Mortgage Fraud", *Banking Law Journal*, 126, pp. 254-268.
 40. Goldstein, Deborah; Brinegar, Matthew (2010). "Policy and Litigation Barriers to Fighting Predatory Lending", *Northeastern University Law Journal*, 2(1), pp. 167-194.
 41. Haytko, Diana; Clark, Ronald; Zboja, James (2017). "A Push or a Nudge: Understanding Consumer Perceptions of Sales Pressure", *Rutgers Business Review*, 2(2), pp. 186-190.
 42. Hull, Nathaniel (2009). "Crossing the Line: Prime, Subprime and Predatory Lending", *Marine Law Review*, 61(1), pp. 287-318.
 43. Khan, Mihammad; Bae, Jung-Han; Choi, Seok – Beom; Han, Nag-Hyeon (2019).



- “Good Faith Principles In Islamic Contract Law: A Comparative Study With Western Contract Law”, *Journal Of International Trade & Commerce*, 15(6), pp. 143-159.
44. Kharas, Homi; Hisanobu Shishido, 1985, “Optimal Borrowing And Overborrowing: Some Simple Simulation Lessons”, World Bank Group, Country Policy Department discussion paper, no. CPD 1985-58.
45. Lewis, Michelle (2003). “Perspectives on Predatory Lending: the Philadelphia Experience”, *Journal of Affordable Housing and Community Development Law*, 12(4), pp. 491-520.
46. McCoy, Patricia (2005). “A Behavioral Analysis of Predatory Lending”, *Arkon Law Review*, 38(4), pp. 725-740.
47. Mehkeri, Zainab (2014). “Predatory Lending: What's Race Got to do With It”, *Public Interest Law Reporter*, 20(1), pp. 44-51.
48. Mullen, Daniel (2014). “To Catch a Predatory Lender”, *Temple International & comparative Law Journal*, 28(1), pp. 83-114.
49. Sounders, Morgot (2018). “The Increase Predatory Lending Appropriate Remedial Actions”, *North Carolina Banking Institute*, 6, pp. 111-146.
50. Stark, Debra (2005). “Unmasking the Predatory Loan in Sheep's Clothing: A Legislative Proposal”, *Harvard Blackletter Law Journal*, 21, pp. 129-162.
51. Stojkovic, Marko (2016). “The Threat of Predatory Lending”, *Loyola Public Interest Law Review*, 22(1), pp. 40-54.
52. Stojkovic, Marko (2017). “The Dodd-Frank Solution to Predatory Lending”, *Public International Law Report*, 22(2), pp. 106-128.

C) Thesis

53. Ahmed, Nadeem Mohiuddin (2020). “**Aggressive Sales Culture in Banking Practice**”, Western Sydney University, School of Business, Thesis submitted for the partial fulfilment of the requirements for the degree of Master of Business Law.

[In Persian]:

A) Books

54. Abdipour, Ebrahim (1997). *A Comparative Study of the Concept and Effects of Necessity (Idtirar) in Civil Law*, 1st ed., Qom: Islamic Propaganda Office Publications.
55. Bahrani, Hamid (1991). *Abuse of Right: A Comparative Study in Islamic Law and Other Legal Systems*, 2nd ed., Tehran: Ettela'at Publications.
56. Jafari Langaroodi, Mohammad Jafar (1999). *Law of Obligations*, 1st ed., Tehran: Ganj-e-Danesh Publications.
57. Jafari Langaroodi, Mohammad Jafar (2003). *Dictionary of Elementology*, 1st ed., Tehran: Ganj-e-Danesh Publications.
58. Jafari Langaroodi, Mohammad Jafar (2007). *Al-Fariq*, Vol. 2, 1st ed., Tehran: Ganj-e-Danesh Publications.
59. Jafari Langaroodi, Mohammad Jafar (2009). *Waseet in Legal Terminology*, 2nd ed., Tehran: Ganj-e-Danesh Publications.
60. Katouzian, Nasser (2008). *General Rules of Contracts*, Vol. 3, 5th ed., Tehran: Sherkat-e Sahami-ye Enteshar.

B) Articles

61. Alizadeh, Mehdi (2005). "Foundations of the Principle of Good Faith and Fair Dealing in Contracts," *Theology and Law*, No. 15 & 16, pp. 95-126.
62. Bafahm, Mohammad; Fahimi, Azizollah; Hasanzadeh, Mehdi (2023). "The Enforcement Mechanism of the Prohibition of Abuse of Right in Civil Procedure of Iran and France," *Comparative Law Research*, 27(3), pp. 1-48.
63. Hajipour, Morteza (2013). "Obligatory Good Faith in Imami Jurisprudence," *Islamic Jurisprudence and Law*, 4(7), pp. 31-68.
64. Jafari, Ali; Heidari, Alimorad (2017). "Feasibility Study of Deriving the Jurisprudential Principle of Good Faith," *Jurisprudence and Principles of Islamic Law*, 50(2), pp. 329-344.
65. Katouzian, Nasser; Abbaszadeh, Mohammad Hadi (2013). "Good Faith in Iranian Law," *Journal of Law (Legal Journal)*, 43(3), pp. 167-186.
66. Khazaei, Seyed Ali; Allahmoradi, Hananeh (2023). "A Critique of the Viewpoint on Accepting the Principle of Good Faith in Contract Formation in Iranian Law," *Studies in Islamic Jurisprudence and Law*, 15(30), pp. 57-80.



67. Naghibi, Abolghasem; Taghizadeh, Ebrahim; Bagheri, Abbas (2014). "The Status of Good Faith in Imami Jurisprudence," *Islamic Law*, 15(1), pp. 33-57.
68. Salehi, Esmail; Khandani, Pedram; Pahlavanzadeh, Abbas (2023). "Principles of Good Faith and Fair Dealing in Contracts in Islamic Jurisprudence and Iranian Law with a Comparative Study of European Union Law," *Studies in Economic Jurisprudence*, 15(5), pp. 2-17.
69. Sheikh-ol-Eslam Nouri, Elham; Parsapour, Mohammad Bagher; Mohammadi, Pejman (2023). "Conditions for Prohibiting Discriminatory Transactions (A Comparative Study of the Law of the United States, the European Union, and Iran)," *Comparative Law Research*, 27(1), pp. 23-54.
70. Simayie Sarraf, Hassan (2014). "A Comparative Study of Good Faith in Jurisprudence, Foreign Law, and International Instruments," *Teachings of Civil Jurisprudence*, 10, pp. 51-72.
71. Vakili Moghadam, Mohammad Hosein (2021). "A Study of the Blue Pencil Rule in Common Law and Its Comparison with Islamic Jurisprudence and Iranian Law," *Comparative Research of Islamic and Western Law*, 8(1), pp. 231-258.

[In Arabic]:

A) Books

72. Al-Hilli, Hasan ibn Yusuf (2002). *Tadhkirat al-Fuqahā'*, Vol. 13, 1st ed., Qom: Al al-Bayt Institute for the Revival of Heritage.
73. Rawandi, Qutb al-Din (1984). *Fiqh al-Qur'ān*, Vol. 1, 2nd ed., Qom: Maktab Ayatollah Mar'ashi Najafi.
74. Al-Saduq, Muhammad ibn Ali (1992). *Man Lā Yahḍuruhu al-Faqīh*, Vol. 2, 2nd ed., Qom: Publications Center of the Islamic Propagation Office.
75. Al-Tusi, Abu Ja'far (1986). *Al-Khilāf*, Vol. 3, 1st ed., Qom: Publications Center of the Islamic Propagation Office.
76. Al-Kulayni, Abu Ja'far (1986). *Al-Kāfi*, Vol. 4, 4th ed., Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah.

B) Articles

77. Abdullah Ahmad, Khadijah (2021). "The Principle of Good Faith in Transactions: A Comparative Study," *Majallat al-Sharī'ah wa al-Qānūn (Journal of Sharia and*

Law), 38, pp. 417–497.

78. Huda, Ibn Ayyub (2013). “The Principle of Good Faith in Contracts”, Larbi Ben M’hidi University, People’s Democratic Republic of Algeria, Master’s thesis (Contract Law specialization).